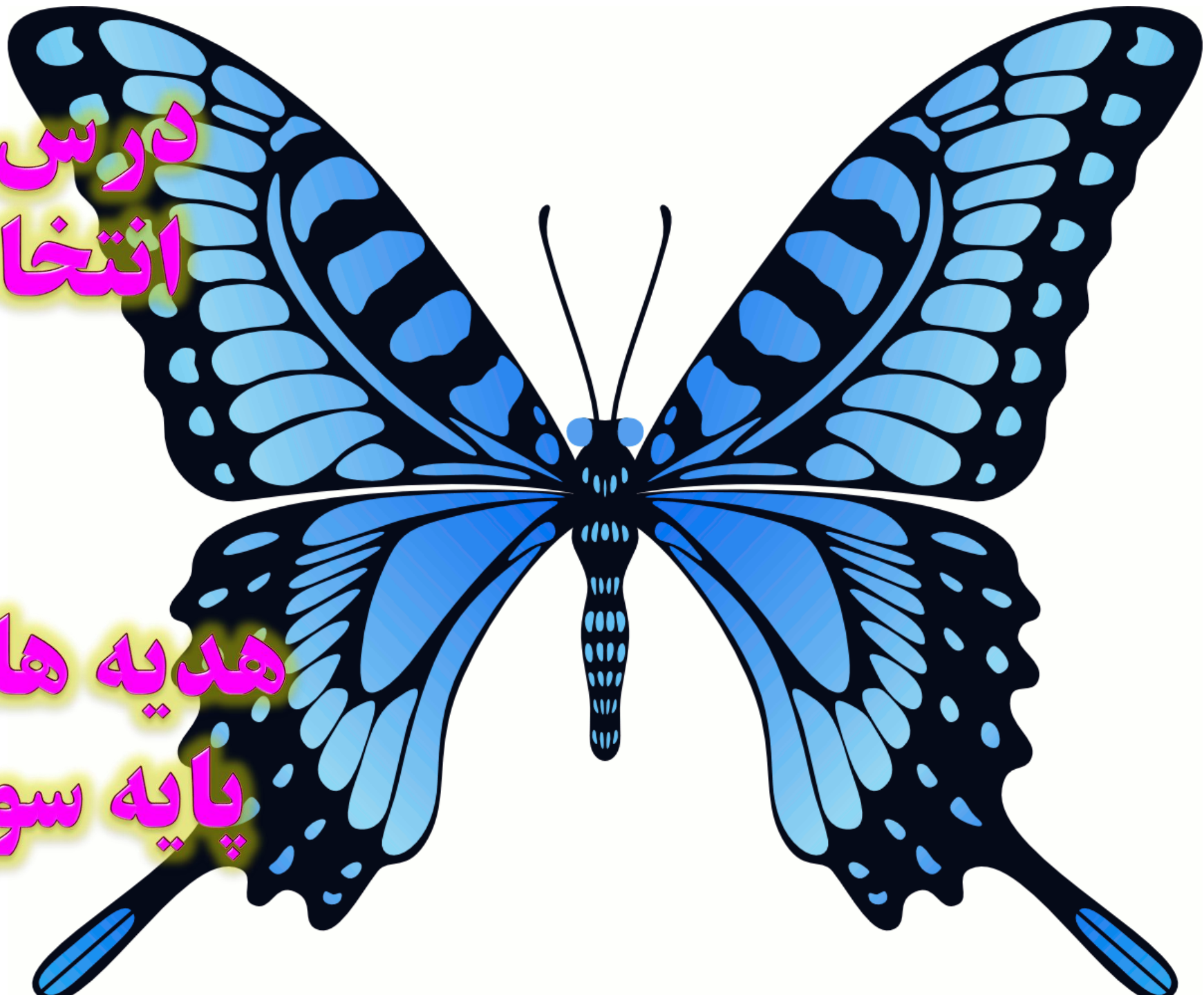


درس سیزدهم
انتخاب پروانه

هدیه های آسمانی
پایه سوم دبستان



از مدّت‌ها پیش منتظر این روز بود.

قرار بود امروز همراه با خانواده به یک مهمانی برود.

خاله و دخترخاله‌هایش هم در این مهمانی بودند و او می‌توانست تمام روز

با بچه‌ها بازی کند.

صدای مادر بلند شد: «دخترم، من آماده‌ام.

زودتر حاضر شو».

پروانه برای آخرین بار جلوی آینه آمد.

با دیدن خودش لبخندی زد.

می‌خواست از جلوی آینه کنار برود که ...

به یاد حرف‌های خانم معلّم در روز جشن تکلیف افتاد:

«دخترهای گلم، همه‌ی شما خوب می‌دانید که خدا بهترین و مهربان‌ترین

دوست ماست. اگر خدا از شما چیزی بخواهد، چه می‌کنید؟»

و بچه‌ها جواب داده بودند: «سعی می‌کنیم هر طور شده، خواسته‌اش

را انجام بدهیم».

و خانم معلّم گفته بود:

«حالا این دوست مهربان از شما دخترهای نازنین خواسته که وقتی به

سنّ تکلیف رسیدید، در برابر نامحرمان خودتان را بیوشانید و با حجاب

باشید.

دخترهای خوب من، دوست دارم از امروز به خواسته‌ی این دوست جواب

دهید».

صدای مادر، پروانه را متوجّه خودش کرد.



بدانیم

دختران واجب است تمام بدن و موی سر خود را از نامحرمان بپوشانند. اما لازم نیست صورت را بپوشانند. همین‌طور لازم نیست دست‌ها را از مچ تا انگشتان بپوشانند. کسانی مثل پدربزرگ، پدر، برادر، عمو و دایی، محرم نامیده می‌شوند؛ یعنی لازم نیست در برابر آن‌ها موی سر خود را بپوشانیم. اما بقیه‌ی مردها مثل شوهرخواهر، پسرعمو، پسردایی، پسرخاله و... برای دختران، نامحرم هستند.



یک‌بار دیگر خودش را در آینه نگاه کرد.
شال قشنگ خود را باز کرد و آن‌را طوری بست که گردن و موی سرش پیدا نباشد.
به پیراهنش نگاه کرد. آستینش کوتاه بود.
به سمت کمدش رفت.
یک پیراهن آستین بلند بیرون آورد و پوشید.
خیلی خوش‌حال بود.
احساس می‌کرد بهترین دوستش هم خیلی خوش‌حال است.
کنار مادر آمد و صدا زد: «مادر، من آماده‌ام».
مادر چادرش را سر کرد و گفت: «آفرین به دختر گلم!»
نگاه پروانه به مادر افتاد و پرسید: «من هم چادر بپوشم؟»
مادر لبخندی زد و گفت: «اگر دوست داری می‌توانی چادرت را هم سرکنی.
با چادر، حجاب تو کامل‌تر می‌شود».
پروانه کمی با خود فکر کرد. دوست داشت بهترین حجاب را انتخاب کند.





انتخاب پروانه درست بود؛ زیرا

به سن تکلیف رسیده بود و می خواست به دستور خدا که
بهترین و مهربان ترین دوست ماست حجاب داشته باشد



..... همیشه پوششی مناسب داشته باشم تا

..... **تا خدا از من راضی باشد**

بین و بگو

چه ارتباطی میان این تصویر و حجاب وجود دارد؟

همان طور که مروارید داخل صدف است و از خطر در
امان است زن نیز چون مروارید گرانبهاست و باید با
حجاب باشد تا از خطر دور باشد





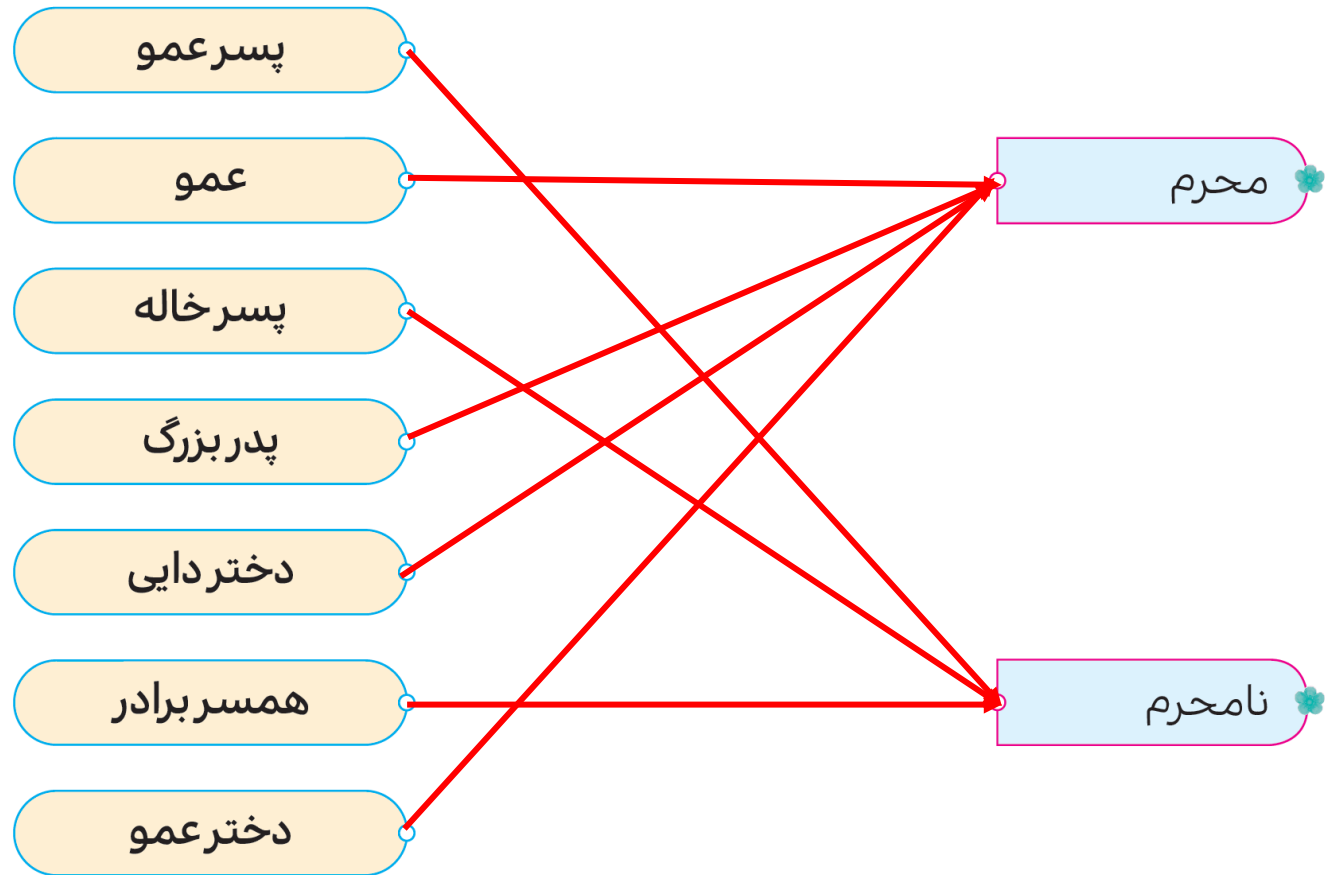
گفت و گو کنیم

چگونه می‌توانیم در مهمانی‌ها، دستورات اسلامی را رعایت کنیم؟

لباس مناسب بپوشیم .
با افراد نامحرم حرف‌های غیر ضروری ننیم.
آهنگ‌های نامناسب گوش ندهیم.

بگرد و پیدا کن

کدام محرم و کدام نامحرم هستند؟ به کلمه‌ی مناسب وصل کن.





کامل کنید

شوهرخواهر سمانه، به منزل آن‌ها آمده است. سمانه لباس مناسبی می‌پوشد. روسری‌اش را سر می‌کند ولی می‌خواهد بدون پوشیدن جوراب پیش او بیاید. خواهرش به او می‌گوید

..... پوشیدن جوراب بهتر است اما دیدن دست‌ها و پاها تا
مچ توسط نامحرم مشکلی ندارد.

مثل فرشتگان

مثلِ گلِ بهارم

گلبرگِ ناز دارم

گلبرگِ دور رویم

زیباست عطر و بویم

بالی بلند و زیبا

پر می‌کشم به بالا

مانند سرو نازم

بسیار سرفرازم

زیبا و شادمانم

مثل فرشتگانم

مثلِ گلِ شکفته

من نیز مثلِ گل‌ها

این چادر قشنگ است

با عطر و بوی گلبرگ

مثل پرنده دارم

با بالِ نرم چادر

من در میان چادر

با این که سربه زیرم

با چادرِ قشنگم

یک دختر نمونه



با خانواده

تصویری از پوششی مناسب برای بیرون از خانه نقّاشی کن و به کلاس
بیاور.



نمونه سوال

۱- چرا باید حجاب داشته باشیم؟

جواب: چون خدای مهربان به ما دستور داده است که وقتی به سن تکلیف رسیدید در برابر نامحرمان خودتان را بپوشانید و با حجاب داشته باشید.

۲- کدام محرم و کدام نامحرم هستند؟

جواب: محرم: عمو، برادر، خاله، عمه، پدربزرگ، مادربزرگ، پدر، مادر، خواهر.
نامحرم: پسردایی، پسرعمو، پسرخاله، پسرعمه، شوهرخواهر.

